



نشر اختران



علی عابدی

سرشناسه	: عابدی، علی، ۱۳۴۶ -
عنوان و پدیدآور	: گرافیک تجزیه تحلیل و نقد / علی عابدی -
مشخصات نشر	: تهران: اختران، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۱۹۶ ص. مصور (رنگی)
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۲۰۷-۰۷۳-۲
وضعیت فهرست نویسی	: قیفا.
موضوع	: گرافیک
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۴ ۴۳ ی ۲ ع / NC ۱۰۰۱
رده بندی دیویی	: ۷۶۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۰۶۴۴۱۳



نشر اختران

علی عابدی

مدیر هنری و طراح جلد: مینو سلجوقی نژاد

چاپ دوم (اول ناشر) ۱۳۹۵

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی پارسیان

چاپ ستاره سبز - صحافی بهمن

کارگر جنوبی، روانمهر، پ ۱۵۲، ط ۱، تلفن: ۰۳۲۵ ۶۶۴۱ و ۰۹۰ Akhtaran فروشگاه: ۶۶۴۱۱۴۲۹
instagram: akhtaranpub - www.akhtaranbook.ir - info@akhtaranbook.ir

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۰۷-۰۷۳-۲

همه ی حقوق محفوظ است

بها: ۲۶۰۰۰ تومان

فهرست

۹		ادداشت مولف
۱۵		گرافیک؛ تقسیم بندی
۲۳		موضوع؛ مخاطب
۳۳		تجزیه
۴۷		تحلیل
۶۵		خط؛ اثر گرافیک
۷۵		خط؛ کادر، ترکیب بندی
۸۷		لایه بندی
۱۰۵		تعیین حروف
۱۱۵		محتوی، فرم، هماهنگی رنگی
۱۱۹		گرافیک پویا
۱۲۵		گروه بندی مخاطبین
۱۲۹		نماد و نمادشناسی
۱۳۵		جادوی زبان
۱۴۵		خلاقیت، کلام آخر
۱۵۵		... و سرانجام نقد

یادداشت مؤلف

بی شک، آموزش می تواند نخستین گام در جهت توانمند شدن برای آفرینش یک اثر هنری باشد. و البته آفرینش این اثر در یک فرآیند تدریجی و چند مرحله ای میسر خواهد شد.

واضح است که آموزش مورد نظر به شیوه های گوناگون انجام می شود و بدیهی ترین شیوهی این آموزش به دو شکل آکادمیک و تجربی میسر است که در هر صورت، محصول آن آگاهی نسبت به عوامل و ابزارهای لازم و انتخاب درست آن ها در جهت رسیدن به هدف مورد نظر است.

در این میان اما آنچه بیش از همه اهمیت دارد، همین تشخیص هدف و داشتن حضور ذهن در گزینش ابزارهای مناسب برای نیل به آن و نیز ترتیب و تقدم به کارگیری ابزارهای مذکور و زیر شاخه های آن است. در نقیة با اینکه برخورداری از دانش کافی در هر رشته علوم ضروری است، مدیریت به کارگیری این دانش نیز از اهمی فوق العاده برخوردار است.

همچنین در برخی رشته های هنری - به ویژه گرافیک - به دلیل حال محصول، لازم است خالق آن توضیحات مکمل را در جهت باورپذیری محصول برای سفارش دهندگان ارائه دهد، تا سفارش مورد نظر از سوی مخاطب مورد قبول واقع شود. آیا تاکنون برایتان پیش آمده است که در هنگام تصمیم گیری برای اتود زدن لوگوی یک شرکت فرضی، در گزینش تصویری یا نوشتاری بودن عنصر بصری لوگوی مذکور دچار تردید شده باشید و چنانچه تشخیص داده اید نمادهای تصویری را برگزینید، حال در چیسستی این نماد تصویری شک کنید؟ یا اینکه تکنیک اجرای لوگو، رنگ های مورد استفاده، نوع فونت زیرنویس برای نام و ... همگی برای شما به صورت مشکلاتی حل نشدنی و طاقت فرسا جلوه گر شود؟

با پس از اجرای یک اثر که به مناسب و بی ایراد بودن آن از لحاظ فنی و مفهومی اطمینان دارید، توجیه و جلب رضایت صاحب سفارش برای تأیید آن، به بزرگ‌ترین مشکل دوران زندگی حرفه‌ای‌تان تبدیل شده باشد؟

شاید در دوران تحصیل، فعالیت حرفه‌ای، زندگی اجتماعی و ... با کسانی برخورد داشته‌اید که با وجود خلق آثار ارزشمند هنری، ادبی و ... قادر به توصیف ویژگی‌های آنچه خلق کرده‌اند نبوده و در برابر انتقادهای اصولی و غیراصولی - و چه بسا مفرضانه - از سوی منتقدان به سهولت عقب‌نشینی کرده و اثر را بدون مدافع، ها می‌کنند. همچنین ممکن است با افرادی آشنا شده باشید که آثارشان از لحاظ فنی و سایر موارد، از دید فنی قابل ملاحظه‌ای برخوردار نبوده، ولی به دلیل توانمندزایی سمبل‌ها، سخن آن در فن بیان و ارائه دلایل قانع‌کننده و قابل قبول برای مخاطب، به اثر جانی دوباره بخشیده‌اند.

آیا تاکنون به بعضی مصاحبه‌های هنرمانی که از رسانه‌های دیداری و شنیداری پخش شده، توجه داشته‌اید؟ گزارشگر نظر مخاطبین و بازید رسانه‌ها را از نمایشگاه را جویا می‌شود و پاسخ دهندگان با بیان جملاتی کلی مثل «جالب توجه بود»، «بسیار ضعیف برگزار شده»، «بسیار استفاده کردم»، «پیام خاصی نداشت» و ... به اظهارنظرهای کلی درباره نمایشگاه فرضی مذکور پرداخته و یا برخی جمله‌های خود به نقد نمایشگاه پرداخته‌اند.

اما گاهی بعضی از پاسخ‌دهندگان در پاسخ به پرسش گزارشگر، در ابتدا خود پرسش یا پرسش‌هایی را مطرح می‌سازند، و از گزارشگر می‌خواهند محدوده‌ای را برای پاسخ‌گویی آن‌ها تعریف کند، به این ترتیب که آیا پرسش گزارشگر مربوط به نحوه برگزاری نمایشگاه از لحاظ نظم چیدمانی آثار می‌باشد؟

با کیفیت مفهومی آثار، شیوه و تکنیک اجرا، زمان برگزاری، کیفیت نورپردازی بر روی آنها، هارمونی مجموعه‌ی نمایشگاه و ... کدام یک مورد نظر است؟ پاسخ دهندگان گروه دوم نقد خود را در چارچوب

معیارهای مشخصی مورد توجه قرار داده و پیش از نقد، نیاز به تجزیه‌ی عوامل شکل‌دهی نمایشگاه مذکور را احساس کرده‌اند. آنها همچنین ضرورت تحلیل اطلاعات را مورد توجه قرار داده و از اظهارنظرهای کلی پرهیز کرده‌اند.

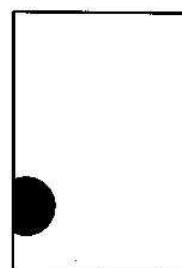
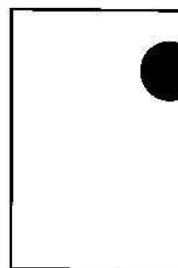
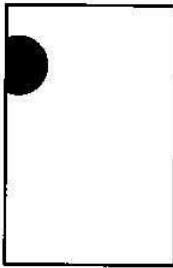
پس باید توجه داشت که بیان نظرات به صورت کلی و سریع، اهمیت نقد را کم ارزش ساخته و اعتبار نظر و نظر دهنده را کاهش خواهد داد. در این حالت ممکن است که فقط مخاطب عام از پاسخی که دریافت کرده است اکتناع شود و به یقین مخاطبان خاص علاوه بر عدم رضایت از دریافت چنین پاسخ‌هایی، سخت‌گیرتر شده، دقت و وسواس خود را در بررسی نظرات بعدی افزایش خواهند داد.

همچنین باید دقت داشت برای هر نظری لازم است دلیلی ارائه شود و صد البته این دلیل بایستی منطقی و دارای جایگاه باشد. به دیگر عبارت باید نقد را از فضای سلیقه و نقطه نظرات شخصی فاصله داد و به محدوده اصول فنی و خرد جمعی نزدیک کرد.

در تصاویر صفحه مقابل کدام گزینه ورود به کادر را بیان میکند؟ در یک نگاه ابتدایی هر چهار گزینه این امکان را دارند. اما برای انتخاب هر یک مسلماً نیازمند دلیلی مخاطب‌پسند هستیم.

دانش شما برای انتخاب هر یک از گزینه‌ها کدام است؟ آیا این دلیل یا دلایل جایگاه ارائه دارند؟ کوشش کنید، همکاران‌تان درباره این مورد بحث و همفکری داشته باشید و دلایل یکدیگر را مورد بررسی قرار دهید. هرچه دانش این راه می‌شنوند مستدل‌تر باشند؛ پذیرفتنی‌تر نیز خواهند بود.

توانمندی در تجزیه و تحلیل - بعد آثار گرافیک - و البته دیگر آثار - و داشتن این دانش، شما را یاری خواهد کرد، تا با استفاده از اصول و قواعد لازم، در تمامی مراحل، تصمیم‌گیری و اقدام مناسب داشته باشید. توجه به این نکته ضروری است که برای توانمند بودن در تجزیه و تحلیل و نقد یک اثر گرافیک، لازم است، تا تمامی مراحل کسب دانش این فن را ترجیحاً به صورت آکادمیک و البته تجربی با موفقیت گذرانده باشید.



از سوی دیگر منتقدان نیز معتقدند آثار هنری توسط هنرمندان، غالباً حسی و بدون توجه به اصول و قواعد علمی خلق شده‌اند. در یک نگاه کلی به این درگیری میان منتقدان و هنرمندان می‌توان نتیجه گرفت خرده‌گیری‌ها بیشتر از جانب منتقدان است چرا که آن‌ها در فرآیند نقد یک اثر هنری بیشتر به کاستی‌های اثر توجه نشان می‌دهند تا نقاط قوت آن. شاید یکی از مهم‌ترین دلایل این موضوع مربوط به مفهوم واژه‌ی نقد باشد.

در نظر برخی از صاحب‌نظران، واژگان Criticize و Critic که معانی نقد کردن و نقد کننده دارند با واسطه Critical به معنای «بحرانی» به واژه Crisis پیوند می‌خورند و بر این اساس بعضی منتقدان و فعالان این عرصه، اصلی‌ترین وظیفه نقد و منتقد را متأثر از مآخذ این واژگان و مفاهیم آن‌ها، در این موضوع می‌دانند که «روا بایستی ضعفی در اثر بیابند و چالشی بحرانی را بر دهنده این ضعف شکل دهند».

غافل از آنکه چالش اگر به ضرورت شکل‌گیری فرآیند نقد است ولی این امر مستلزم است بر محور یک ضعف شکل گیرد. چه بسا چالش در نظر بر مبنای نقاط مثبت و پیرامون چگونگی تزیین این توانمندی‌ها پدیدار گردد.

از سوی دیگر رسوب فرهنگ تحقیر فرد تخریب شده و تحسین تخریب کننده که موردی غیر قابل انکار در جامعه کنونی ما در بسیاری از پست‌هاست، سبب شده است پذیرش نقدهایی که به کاستی‌های اثر می‌پردازند از سوی صاحب اثر، زمینه ساز ایجاد موجی جدید از انتقادهای منفی فزاینده شود که در غالب موارد این موج تازه صداقت احتمالی

بنابراین فن تجزیه و تحلیل و نقد، بر پایه دانش کسب شده‌ی پیشین استوار خواهد بود و لذا کتاب حاضر شامل مقدماتی از دانش گرافیک، اصول و قواعد آن می‌باشد. بنابراین -نانچه از دانش گرافیک اطلاع ندارید و یا آن را را می‌پسند کرده‌اید، توصیه می‌کنم مروری بر کتب آموزش این هنر از مقدماتی تا پیشرفته داشته باشید.

این کتاب همچنین تلاش دارد تا ضمن ارائه‌ی راه کارهای مناسب و آموزش‌های تحلیلی در جهت یاد آوری آموزه‌های پیشین، شمار در آمل که آن توانمندی‌هایتان در جهت خلق آثار و فن معاصر، احتمالی آن‌ها یاری‌رسان باشد. این نوشتار با هدف تربیت منتقدین آثار هنری و به خصوص آثار گرافیک تدوین نشده است، بلکه تنها مسیر طولانی این امر و شیوه صحیح برداشتن گام‌های نخست را به شما نشان می‌دهد. در این راه اشاره‌هایی هر چند مختصر به تعاریفی همچون سبک و مکتب، مفاهیم تخصصی حوزه‌ی گرافیک و نیز اصطلاحاتی مانند ساختارگرایی، ساختار-شکلی، مدرنیسم، پسا مدرنیسم، فرمالیسم، سمبلیسم، کلاسیسم، رمانتیسم، آرمنتالیسم و ... خواهیم داشت.

یکی از مهم‌ترین هدف‌های این کتاب، تلاش برای از میان برداشتن فاصله میان هنرمند و منتقد است. معمولاً بیشتر منتقدان آثار هنری، خود خالق اثری نبوده و در طرف مقابل هنرمندان نیز کمتر به موضوع نقد توجه می‌کنند.

به نظر آن‌ها منتقدان را گروه بی‌هنرانی تشکیل داده‌اند که چون توان خلق هیچ اثری را ندارند - به ویژه از لحاظ اجرا - در گوشه‌ای نشسته و فقط بر دیگران خرده می‌گیرند.

انتقادهای نخستین را نداشته و بیشتر با نیت خودنمایی انتقادکنندگان صورت گرفته‌اند. مورد دیگر که از معضلات اساسی مبحث نقد می‌باشد، عقیم و بی‌فرجام ماندن فرآیند نقد است که خود را به شکل عدم ارائه راه حل برای مشکل نشان می‌دهد.

اگر چه ممکن است این طور به نظر برسد که منتقد تنها باید به عمل نقد بپردازد اما در یک نقد صحیح، توجه به تأثیرات آموزشی نقد امری ضروری است و این آموزش زمانی کامل می‌شود که منتقد بتواند دلایل مدعای خود را بیان کرده و در صورت نیاز راهکارهایی را در جهت پوشش ضعف‌ها و برجسته‌سازی نقاط قوت مورد اشاره نقد ارائه کند.

این سه مؤلفه ویژه در دروسی که در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به منظور تربیت منتقدان هنری ارائه می‌شود، بیشترین ضرورت و تأثیر را خواهد داشت.

با توجه به موارد ذکر شده، آنرا اشاره شد و به منظور فروکاستن از بار معنایی نظری که در پیرامون فرهنگ نقد موجود است ضمن احترام به اسامی ترسان گرافیک ایران، هیچ نمونه‌ای از آثار این گروه در کتاب ارائه نشده است. همچنین برای تأثیرگذاری بیشتر به‌ها آموزش در فرآیند نقد، نمونه‌های ارائه شده غالباً از میان منحصر به فردترین نمونه‌های موجود - که بالاتر از از نقاط قوت پرشمارتری برخوردارند - گزینش شده‌اند بر همین اساس نمونه‌های متوسطی نیز با هدف پرهیز از تکرار موارد ضعف توسط دیگر مجریان، ارائه و مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند.

در اینجا قصد داریم به مطلبی اشاره کنیم که - به زعم من - عمل نقد را پرنیج‌تر می‌کند و آن واحد بودن فرد منتقد و در عین حال ضرورت ایفای نقش چندگانه و متضاد از طرف اوست. شاید در یک فیاس بتوان عمل نقد را به یک دادگاه تشبیه کرد که از یک سو دارای متهم (اثر مورد نقد) و از سوی دیگر دارای قاضی، وکیل مدافع، دادستان و هیئت منصفه است. آنچه در این دادگاه همچون هر دادگاه دیگری پی‌گیری می‌شود نه از پیش محکوم کردن متهم است و نه از پیش تبرئه کردن آن. آنچه در این میان صورت می‌گیرد

بررسی دقیق و بی‌طرفانه‌ی تمام گزینه‌های مرتبط است. اما مسئله زمانی دشوار می‌شود که وظیفه چهار عامل ذکر شده یعنی قاضی، وکیل مدافع، دادستان و هیئت منصفه - که وظایفی متفاوت و بعضاً متضاد نیز هستند - همگی بر دوش یک نفر خواهد بود و آن کسی نیست جز منتقد. به همین دلیل است که معتقدم منتقد باید خود را به مجموعه‌ای غنی و گسترده از دانش‌های متنوع و البته هم جهت، تجهیز کرده تا بتواند به خوبی از ایفای نقش‌های مورد اشاره در جهت ارائه یک نقد محکمه پسند، ضابطه‌مند و منطبق با اصول و قواعد نقد برآید.

همچنین می‌خواهم به منتقدان جوان و کسانی که در ابتدای راه پر پیچ و خم نقد هستند توصیه‌ای داشته باشم و آن این است که تا زمانی که در انجام عمل نقد کاملاً مجرب نشده‌اند، به نام آفریننده اثر توجه نداشته باشند. چرا که به هر حال نام‌های بزرگ بر روند نقد تأثیر مستقیم داشته و این موضوع به‌ویژه در میان منتقدان کم تجربه پیش داوری‌هایی ایجاد می‌کند که نتیجه آن در بیشتر موارد تعریف و تمجید بی دلیل از اثر هنری است. البته در مواردی نادر عکس این مطلب اتفاق می‌افتد، به این ترتیب که منتقد تازه‌کار برای نشان دادن اینکه از این نام بزرگ تأثیر نگرفته و تنها نقدی مستقل ارائه می‌دهد - که البته تصور نمی‌کنم چنین باشد - تلاش می‌کند تا با معطوف به یافتن ایرادی در اثر می‌کند که - چنانچه نقدی همان درگیر شدن در هزار توی منفی‌بافی - حاصل شود که به آن اشاره کردیم.

توجه داشته باشید که تأکید من بر این موضوع تنها شامل آن دسته از منتقدانی می‌شود که احتمال جهت‌گیری نقد آنها به دلایل کم تجربه‌گی ایشان وجود دارد. اما چنانچه منتقد به مرحله‌ای از پختگی و تجربه رسیده باشد که فارغ از تأثیراتی این چنینی اثری را نقد کند، آن گاه حتی آگاهی از هویت هنری صاحب اثر می‌تواند تأثیرات مثبت و قابل توجهی نیز به همراه داشته باشد.

به طور معمول در هر ترم تدریس درس تجزیه، تحلیل و نقد آثار گرافیک، بعضی دانشجویان از من

سؤال‌هایی دارند مبنی بر اینکه آیا حقیقتاً هنرمند خالق اثر مورد نقد، مواردی را که منتقد به آنها رسیده است مورد توجه قرار داده و در اثرش مطرح کرده است؟ به عبارت دیگر آیا ما به عنوان منتقد حقیقتاً به نکات مورد نظر طراح و آفریننده‌ی اثر هنری اشاره می‌کنیم و یا تنها با تکیه بر فرضیه‌ها و تصورات خود آنچه را که گمان می‌کنیم شایسته‌تر است بیان می‌کنیم؟

آیا چنانچه طراح با نقد ما مواجه شود، تمام یا بیشتر گفته‌های ما را تایید می‌کند، یا از بیخ و بن اندیشه‌های منتقد را عبث دانسته و آرا و نتیجه‌گیری‌های او را در نقد اثر خود رد می‌کند؟ من در پاسخی کوتاه به آنها می‌گویم: «بهترین فرضیه آن است که میان برداشت منتقد و هدف طراح بیشترین هماهنگی وجود داشته باشد، ولی آنچه نباید فراموش کرد این است که منتقد باید در تحلیل و نقد خود از دست برداری را مورد توجه قرار دهد که به توجیه منطقی و مندرج‌التحریر و نتیجه‌گیری‌اش کمک کرده و در نهایت، پذیرفته‌اند ارائه شده از سوی وی بیانجامد.

در حقیقت آنچه در نقد در درجه‌ی نخست اهمیت قرار دارد این است که مواردی که از سوی منتقد کشف و بیان می‌شود تا چه حد از سوی مخاطبان باورپذیر باشد. به عبارت دیگر در نقد، اهمیت واقعیت‌ها (آنچه حادث می‌شود) به مراتب بیشتر از حقایق (آنچه باید باشد) است. باید به این نکته توجه داشت که توانایی منتقد در بیان و توجیه مخاطبان به هیچ وجه به این معنا نیست که او مجاز است تا هر آنچه را که بخواهد از اثر برداشت کند. به عبارت دیگر، اگر چه یک منتقد باید با دانش هرمنوتیک آشنا باشد ولی به هیچ وجه نباید اساس نقد خود را بر تفسیر بنا کند.

... بی‌شک منتقد بیشتر تشخیص خواهد داد و کمتر تفسیر خواهد کرد.

اگر چه مهر تایید خالق یک اثر بر نقد منتقد می‌تواند مهم‌ترین گواه بر صحت نقد انجام شده باشد با این حال نباید فراموش کرد که بسیاری از هنرمندان بنام پس از خلق اثر هنری خود بلافاصله به سراغ نظر منتقدان رفته و حتی در بسیاری از موارد سایر آثار خود را بر اساس

نقدهای پیشین منتقدین خلق می‌کنند. دیگر سخن آنکه بسیار پیش آمده که دانشجویان ارجمند ضمن ابراز محبت از سودمند بودن مباحث مطرح شده در کلاس، اصول تدریس شده را به عنوان فرمول‌هایی ثمر بخش و بدون تغییر در ذهن خود جای داده و لذا در خلق آثار خود تنها به همان اصول و قواعد گفته شده در کلاس رجوع کرده و از خود خلاقیتی نشان نمی‌دهند.

ماحصل چنین نگرش و برداشتی، بسه بی‌اهمیت جلوه کردن قواعد و اصول و بی‌روح شدن و در نتیجه ناکارآمد بودن آثار خلق شده توسط این گروه خواهد انجامید. من به هنگام تدریس و نیز نگارش این کتاب تلاش کرده‌ام این نکته را یادآوری کرده و آن را در ذهن همه‌ی مخاطبان ماندگار کنم:

مهم‌ترین هدف در آموزش تجزیه، تحلیل و نقد این است که آثار خلق شده توانایی لازم را برای تأثیرگذاری مناسب بر مخاطب خود داشته باشند. ما امیدواریم عمل به نکته‌های ارائه شده در آموزش‌ها این توانایی را در علاقه‌مندان به وجود آورد. اما چنانچه به کارگیری این نکته‌ها (ولو در موارد اندک) تأثیر گذار باشد، بر را به میزان قابل توجهی کاهش داد، ضروری است چاره‌ای نو اندیشه شود. بنابراین توصیه می‌کنم هرگاه متوجه شدید با به کارگیری اصول و قواعد مطرح شده در این کتاب از هدف خود دور شده‌اید و این مطالب اثر بدی را بر شما گذاشته است، در آن صورت آن بخش‌ها را که مسبب چنین کاهش بوده‌اند فراموش کنید.

همچون همیشه لازم است سیاحت‌های مسرتازینم مینوسلجوقی نژاد باشم که سروتخانه ایرادات متن را یادآوری کرد تا اصلاح شوند و نیز وظیفه خود می‌دانم از فرهیخته ارجمند جناب آقای سعید اردفالی قدردانی کنم که با بردباری مسیر نشر این نگارش را هموار کردند.

علی عابدی
بهار ۱۳۹۰